

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مروری بر معنای سلام در قرآن

سلام از اسماء حُسنای الهی است و اسم فعل حقّ متعال است و اسم ذات نیست؛ یعنی اسمی است که از فعل خداوند نشأت گرفته است؛ چون خدا هم اسماء ذات دارد و هم اسماء فعل. سلام از اسمائی است که از فعل خدا نشأت گرفته است؛ نه از ذات الهی. منتهی^۱ چون فعل خدا از ذات خدا صادر می‌شود، این‌گونه نیست که کاملاً از خدا جدا باشد؛ اما از طرف دیگر، جزء ذات خدا و از اسماء ذاتیهی حقّ هم نیست. فعل، خود ذات نیست؛ بلکه خارج از ذات، صادر از آن و نیازمند به آن است. فعل الهی همه‌ی هستی خود را به ذات حقّ محتاج است. به این لحاظ است که سلام به مظهر تامّ خداوند، یعنی انسان کامل، مثل اهل بیت علیهم‌السلام اطلاق می‌شود. آنها سلامند. حقیقت سلام به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام که مصداق تامّ سلامند، تعلق می‌گیرد. پیغمبر اکرم و اهل بیت بزرگوار آن حضرت علیهم‌السلام مظهر تامّ اسم سلام حضرت حقّند؛ لذا هم خدا سلام است؛ هم انسان کامل؛ یعنی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام سلام و مظهر اسم سلام حقّند. بهشت خانه‌ی خدا و سرای الهی است. پس اسم بهشت هم سلام است. قرآن اسم بهشت را فرمود: «دَارُ السَّلَامِ»^۱ یعنی خانه‌ی سلام. سلام خداست و بهشت خانه‌ی اوست؛ «دَارُ السَّلَامِ» است. بهشتیان هم سخنی جز سلام ندارند. در سوره‌ی واقعه‌ی می‌خوانید: «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْتِيًا؛ إِلَّا قِيلًا

^۱ سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲۷ و سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۲۵.

سَلاماً سَلاماً»^۲. همان طور که فرمود: «لَهُمْ دَارُ السَّلامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۳. «دارُ السَّلامِ» یعنی خانه‌ی سلامت. این خانه‌ی سلامت شرح مفصّلی دارد؛ که «دارُ السَّلامِ» سلّم از چیست؟ هیچ کاستی‌یی، نقصی، رنجی، نَصَبی، گرمایی، سرماییی، گرسنگی‌یی، تشنگی‌یی، خستگی‌یی، پیری‌یی، فرتوتی‌یی، مرگی، جهلی و نقیصه‌ای به آنجا راه ندارد. آنجا «دارُ السَّلامِ» است. اگر خدا توفیق داد زمانی این «دارُ السَّلامِ» را باز می‌کنیم. لایه‌های بسیار عمیقی دارد. تازه من به لایه‌های اولی‌یهی آن اشاره کرده‌ام. لایه‌های عمیق‌تر «دارُ السَّلامِ» بماند.

قرآن فرمود: «لَهُمْ دَارُ السَّلامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ» اینها اولاً «عِنْدَ رَبِّ» هستند؛ که این مقام "عنداللّٰهی" اوج قلّه‌ی تکامل مخلوق است؛ در «دارُ السَّلامِ» و خانه‌ی خدا هم قرار دارند. «وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ» ولایت و زمام امور اینها را هم خدا به‌دست گرفته است. «بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» این به‌سبب رفتار خوبی است که اینها در دنیا پیشه کردند.

این سلامت که شامل حال بهشتیان است، از جانب خدا برای آنها نازل می‌شود. در سوره‌ی «یس» می‌خوانید: «سَلامٌ قَولاً مِنْ رَبِّ رَحمٍ»^۴ این سلام قولی است، که به معنی قول لفظی نیست؛ بلکه به معنی قول الهی است؛ که «إِنَّا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۵. این قول مظهر اراده‌ی حق است. «سَلامٌ قَولاً مِنْ رَبِّ رَحمٍ» از جانب ربِّ رَحمان هم نه؛ بلکه

۲. سوره‌ی واقعه، آیه‌های ۲۵ و ۲۶.

۳. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲۷.

۴. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۵۸.

۵. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۸۲.

از ربّ رحیم؛ که «بر این مژده گر جان فشانم، رواست» سلامی از جانب حقّ شامل حال بهشتیان خواهد بود.

فرشتگان هم در بدو ورود اهل بهشت، به اینها سلام می‌کنند. قرآن فرمود: فرشتگان می‌گویند: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^۶ بر شما سلام باد. در قبال شیوهی عمل درستی که در دنیا پیشه کرده بودید، وارد بهشت شوید.

در داخل بهشت هم هنگامی که بهشتی‌ها همدیگر را می‌بینند، با واژه‌ی سلام به هم تحیت می‌گویند. قرآن فرمود: «دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ»^۷ نیایش بهشتیان، تسبیح خداست؛ «سُبْحَانَ اللَّهِ؛ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ؛ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» است؛ یعنی دائماً از اجمال الهی به شگفتی می‌آیند و مدام می‌گویند: «سُبْحَانَ اللَّهِ؛ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ؛ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ»؛ چون آنجا توفیق دیدار نصیبشان شده و فضل و رحمت الهی بی‌پرده به تجلّی در آمده است؛ پس نیایش آنها «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» است و تحیتشان هنگامی که همدیگر را می‌بینند، چیست؟ «تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ» وقتی همدیگر را می‌بینند، خیرمقدم و تحیتی که به هم می‌گویند، سلام است.

قرآن به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر فرمود که رسول‌الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به کسانی که برای فراگیری دین و آگاهی از حقایق اسلام خدمت ایشان می‌آمدند، سلام کنند. «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»^۸ ای پیامبر! وقتی کسانی که به آیات ما ایمان آوردند، به محضر تو می‌آیند

^۶. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۳۲.

^۷. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۱۰.

^۸. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۵۴.

برای اینکه از تو و از معارف، عنایات و آموزه‌های تو بهره ببرند، به آنها بگو: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» و به آنها سلام کن.

همه‌ی کسانی که خدمت پیغمبر ﷺ می‌آمدند، از نظر معرفت در یک افق نبودند. کسانی که افق بلندتری داشتند، این «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» پیامبر ﷺ را سلامی از جانب خدا تلقی می‌کردند و پیغمبر ﷺ را واسطه‌ی ابلاغ سلام خدا می‌دانستند. وقتی به محضر رسول الله ﷺ می‌آمدند و پیامبر ﷺ می‌فرمودند: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»، این سلام را از جانب پروردگار تلقی می‌کردند و پیامبر ﷺ را ابلاغ‌کننده‌ی سلام خدا به حساب می‌آوردند؛ اما کسانی که مرتبه‌ی پایین‌تری از معرفت داشتند؛ سلام‌کننده را خود پیامبر اکرم ﷺ تلقی می‌کردند. در هر صورت فضای محضر رسول الله ﷺ فضای سلام بود. مجلس پیامبر ﷺ که مجلس «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»^۱ بود؛ مجلس سلامت، عافیت، سلیم و پاکی از هر نقصان، کاستی، خطا و عیب بود. این مروری به‌طور محدود روی آیات سلام در قرآن بود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^۱ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۴.